

نقد و بررسی

# هنر تراجم نویسی از طبرسی تا حسابی

و سبک‌های دیگر

○ علی حسن بیگی

○ طبرسی تا حسابی شرح حال  
رجال استان مرکزی  
(اشتیان، تفرش، فراهان و گرگان)  
○ دکتر محسن ذوالفقاری

کسانی که با کتب تراجم و رجال سروکار دارند به خوبی می‌دانند که در این کتب درباره رجال استان مرکزی - به خصوص اراک و مناطق اطراف این شهر - اطلاعاتی وجود ندارد یا بسیار اندک است. برای مثال در اعیان الشیعه و نقباء البشر درباره مرحوم آیت‌الله نورالدین اراکی، از مراجع اراک، حتی یک سطر نوشته نشده است چه رسد به دیگران که شهرت چندانی هم نداشته‌اند. با این همه چندی است که بعضی از نویسندگان این استان آثاری همچون نامداران، نورالباقی، آیات سرمد و از طبرسی تا حسابی نگاشته‌اند که هر یک از این آثار باید به صورت جداگانه بررسی گردد. در این مقاله برآنیم تا از طبرسی تا حسابی را که دکتر محسن ذوالفقاری نگاشته است، بررسی کنیم.





#### نگاه اجمالی

این کتاب در شرح حال و معرفی ۲۰۷ نفر از رجال استان مرکزی، ۱۰۴ تن از تفرش، ۵۹ تن از آشتیان و ۴۴ تن از فراهان، نگاشته شده است. از این ۲۰۷ تن، ۱۳۹ تن از عصر قاجاریه و ۲۱ تن از دوره صفویه‌اند و تعداد انگشت‌شماری به قبل از صفویه و از رجال عصر زندیه و معاصر به شمار می‌آیند.

#### امتیازات و ملاحظات

کتاب دارای دو امتیاز عمده است: تحدید محدوده تحقیق، از قرن ششم تا قرن پانزدهم؛ و دیدگاه انتقادی مؤلف درباره آرا و گفته‌های دیگران (رک: ص ۵۰، ۱۰۴، ۱۰۸-۱۰۹، ۳۸۱). هرچند روشن نیست که این آرای انتقادی از آن مؤلف است یا از آن منابعی که بدان استناد کرده است. این امر هم با انصاف علمی مغایر است و هم به مبهم شدن عبارات انجامیده است. برای مثال مؤلف محترم در شرح حال وفای فراهانی (ص ۳۷۲) چنین می‌نویسد: «میرزا محمدحسین وزیر فراهانی متخلص به وفا پسر میرزا عیسی وزارت سه نفر از پادشاهان آن سلسله (زندیه)، صادق

خان، علی مرادخان و جمفرخان، را به تناوب عهده‌دار بوده است. میرزا حسن برادرش نیز در خدمت او بود. رضاقلی خان هدایت در جلد دوم مجمع‌الفصحا اشتباهاً او را برادر میرزا عیسی ملقب به قائم‌مقام ذکر کرده است در صورتی که میرزا حسین عموی میرزا عیسی و میرزا عیسی پسر میرزا حسن بوده است». نقدی که بر رضاقلی خان هدایت وارد شده تماماً از آن مهدی بامداد صاحب کتاب شرح حال رجال ایران است. ' حال به ادامه' مطلب توجه کنید: «... و اینکه هدایت در جلد دوم مجمع‌الفصحا نوشته است که حاجی میرزا حسین وفا در قزوین فوت کرده است، اشتباه است. حاج میرزا حسن فرزند ذکوری نداشته است. تنها دخترش را به برادرزن خود میرزا عیسی مشهور به میرزا بزرگ قائم‌مقام فراهانی داد که مادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام ثانی است» (ص ۳۷۳). حاجی میرزا حسین وفا در قزوین فوت نکرده است چرا که حاج میرزا حسن فرزند ذکوری نداشته است! ثانیاً مگر در صفحه قبل نوشته نشد که میرزا حسین عموی میرزا عیسی و میرزا عیسی پسر میرزا حسن بوده است، پس میرزا حسن فرزند ذکور داشته است.

مقصود از «آب ملیح» آب شور باشد، حمل و فروش چنین آبی منطقی نیست.

در صفحه ۴۱ در شرح حال ابوالقاسم سحاب تفرشی چنین نوشته شده است: در نزد او - حاجی شیخ رمضان شوهر خواهر سحاب - امثله و شرح امثله و صرف میراموخت و سپس با تکمیل عربی نزد سیدعلی اکبر سجادی می‌رود و در اینجا هدایه میبندی، صمدیه، عوامل جرجانی و... را فرامی‌گیرد. بعد از آن سیوطی، شرح جامی، تهذیب المنطق، حاشیه ملاعبدالله و مطول از دروسی است که خوانده است.

اولاً تعبیر به هدایه میبندی صحیح نیست چرا که هدایه تألیف اثیرالدین ابهری است و معروف است به هدایه اثیریه و شرح آن، معروف به شرح هدایه اثیریه، تألیف میبندی است. ثانیاً هدایه اثیریه و شرح آن در فن حکمت است. ثالثاً آن هدایه‌ای که ابوالقاسم سحاب آن را نزد سیدعلی اکبر سجادی خوانده است، یکی از متون ادبی است که در نحو نگارش یافته است و در مجموعه جامع المقدمات مکرر به طبع رسیده است و مؤلف آن ناشناخته است. بعضی ابوحیان اندلسی و بعضی زبیری بصری یا عبدالجلیل غزنوی یا ابن درستویه را مؤلف هدایه دانسته‌اند.

در صفحه ۴۲ در ادامه شرح حال ابوالقاسم چنین نگاشته شده است: «کتاب فلسفی معروف چون اسفار سبزواری، منظومه و... را نزد او - میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی - می‌خواند». اسفار از آن ملاحظه‌دراست نه ملاحظه‌دای سبزواری، گرچه مرحوم ملاحظه‌دای سبزواری حاشیه‌ای بر اسفار دارد.

در شرح حال مرحوم آیت‌الله میرزا احمد آشتیانی چنین نوشته شده است: «چهارمین و کوچک‌ترین فرزند سیدحسن آشتیانی در سال ۱۳۰۰ ق به دنیا آمد. وفات او در سال ۱۳۵۹ ق اتفاق افتاد» (صفحه ۴۶-۴۷). پیش از این گفتیم که مرحوم میرزا حسن آشتیانی سید نبوده است. به علاوه فوت میرزا حسن آشتیانی در سال ۱۳۹۵ ق بوده است.

در شرح حال احمد تفرشی چنین می‌نویسد: «سید احمد فرزند حسین از علمای قرن سیزدهم و اوایل چهاردهم است» (ص ۴۹). در این باره به دایرة المعارف تشیع (ج ۴، ص ۴۶۵) و اعیان الشیعه (ج ۲، ص ۵۱۳) استناد کرده است. به احتمال زیاد مؤلف مستقیماً به اعیان الشیعه مراجعه نکرده بلکه از منابع دایره‌المعارف تشیع بهره برده است. در هر حال در اعیان الشیعه از احمد تفرشی به

شتاب و عدم دقت نویسنده به بروز برخی اشکالات انجامیده است. برای مثال وی در صفحه ۲۴ چنین می‌نویسد: «ذکر خاندان آیت‌الله سیدحسن آشتیانی قهرمان مبارزه با تنباکو و فرزندانش کفایت می‌کند تا آشتیانی را همچون تفرش شهرت جهانی بخشد، خانواده اقبال، اعتصام‌الملک و... دلیل دیگر بر همین مدعاست.» در حالی که جناب میرزا حسن آشتیانی از سلسله جلیله سادات نبوده است (برای اطلاع بیشتر رک به: ریخانه‌الادب، ج ۱، ۴۹ که تصویر ایشان نشان می‌دهد که از خاندان سادات نبوده‌اند). نویسنده محترم در سه جا مرتکب این اشتباه شده است: بر روکش جلد کتاب، ص ۲۴ و ص ۴۶ در شرح حال میرزا احمد آشتیانی که پدر ایشان را سیدحسن آشتیانی معرفی کرده است. چنین اشتباهاتی در اثر شتاب و عدم انس با کتب تراجم و رجال روی می‌دهد. در همان صفحه ۲۴ خانواده اقبال خانواده‌ای علمی به شمار آمده است که ظاهراً صحیح نیست زیرا مرحوم عباس اقبال تنها فرد این خانواده بود که به علم و تحقیق پرداخت.

در صفحه ۲۵ می‌نویسد: «یاقوت در معجم البلدان در ذیل فرهان (فراهان) از آب فراوان این منطقه می‌گوید و اینکه آب ملیح آن به بلاد دیگر برده می‌شود و در معرض فروش قرار می‌گیرد». در اینجا عبارت معجم البلدان به غلط ترجمه شده است. صاحب معجم البلدان می‌نویسد: «فرهان: بالفتح ثم السكون، وهاء و آخره نون و بعضی يقول فراهان؛ ملاحظه فی رستاق همدان و هی بحیره تکون أربعة فراسخ فی مثلها فاذا كانت ایام الخریف و استغنی اهل تلك الرساتیق عن المیاه صوبوها الی هذه البحیره فاذا امتلأت صارت ملحاً یا خذه الناس و یحملة الاکراد و غیرهم الی البلدان فیباع.» که ترجمه آن چنین است: فراهان نمکزاری است در ناحیه همدان و آن دریاچه‌ای است که مساحت آن چهار فرسخ در چهار فرسخ است و در فصل پاییز زمانی که اهالی آنجا از آب بی‌نیاز می‌گردند آب‌ها را به سوی آن دریاچه سوق می‌دهند و زمانی که دریاچه پر شد آب آن به نمک تبدیل گردیده و مردم آن نمک را استحصال کرده و کردها و دیگران آن نمک‌ها را به شهرها می‌برند و می‌فروشند.» بنابراین، نمک دریاچه به فروش می‌رسد و نه آب آن. به علاوه معلوم نیست که منظور نویسنده از «آب ملیح» چیست؟ اگر مقصود آب گواراست که چنین تعبیری برای آب شور دریاچه عجیب می‌نماید. اگر هم

عنوان شیخ یاد می‌شود نه سید. صاحب اعیان می‌نویسد: «الشیخ احمدابن الحسین التفریسی توفی بالنجف سنه ۱۳۰۹ کان عالماً فاضلاً له حاشیه علی المکاسب». <sup>۶</sup> و صاحب الذریعه از ایشان به عنوان مولی احمد یاد کرده است. <sup>۷</sup>

نویسنده در صفحه ۶۴ می‌نویسد: «ادیب‌الممالک در سال ۱۲۷۷ ق در روستای گازران فراهان به دنیا آمد». گازران از روستاهای بخش شراء به حساب می‌آید. معلم حبیب‌آبادی می‌نویسد: «در قریه گازران بلوک شهر سلطان‌آباد عراق که اختصاصی مادرش بوده متولد شد». <sup>۸</sup>

در شرح حال اعتصام‌الملک (ص ۷۰-۷۱) چنین نوشته شده است: «از مهم‌ترین آثار او در زمینه ترجمه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تیره‌بختان که همان اثر معروف ویکتورهوگو است. سفینه غواصیه اثر ژول ورن که همان بیست هزار فرسنگ زیر دریا است. او تیره‌بختان جک لندن را نیز ترجمه کرده است.» نیاز به توضیح نیست که تیره‌بختان همان ترجمه کتاب ویکتورهوگو است نه جک‌لندن.

در صفحه ۸۴ در شرح حال پیمان بختیاری چنین آورده شده است: «از طرف مادرش «ژاله» به خانواده قائم‌مقام فراهانی منتسب می‌شود.» در حالی که پیمان از طرف پدر به خاندان بختیاری مربوط می‌شود. به علاوه تا به حال کسی به دلیل آنکه مادرش به منطقه‌ای منتسب بوده، از رجال آنجا به حساب نیامده است. اگر این معیار را در نظر بگیریم باید در بسیاری از کتب تراجم و رجال تجدیدنظر کرد.

در صفحه ۸۹ درباره زادگاه میرزا تقی خان امیرکبیر چنین می‌نویسد: «هزاوه واقع در دو فرسخی شمال غربی شهرستان اراک است. هزاوه در مجاورت فراهان زادگاه خانواده بزرگ قائم‌مقام قرار داشت.» به نظر می‌رسد تعبیر «مجاورت» دقیق نباشد زیرا هزاوه جزء فراهان است.

مؤلف در حاشیه ۱۰۵ ارجاع خود را چنین نگاشته است: «محمدرضا محتاط، نامداران اراک، ص ۵۸» که صحیح آن چنین است: نامداران اراک، حسن صدیق، ص ۵۸، به کوشش محمدرضا محتاط.

در صفحه ۱۰۷ در معرفی یکی از استادان سید جلال آشتیانی

چنین می‌نویسد: «از استادان دیگر جلال‌الدین آشتیانی، آقامیرزا حسن بجنوردی در نجف اشرف است. استاد میرزا حسن بجنوردی از شاگردان ادیب نیشابوری، آقا ضیاء‌الدین عراقی و آقا میرزا حسن نائینی است». آقا میرزا حسن نائینی اشتباه و صحیح آن میرزا محمدحسین نائینی است.

در همان صفحه ضمن برشمردن آثار استاد جلال‌الدین آشتیانی می‌نویسد: «از استاد جلال‌الدین آشتیانی کتب و مقالات زیادی به چاپ رسیده است که می‌توان جهت نمونه به برخی از آنها اشاره کرد... رسائل حکیم سبزواری، تألیف میرزا محمد قمی به زبان عربی (تصحیح و تعلیق)». رسائل حکیم سبزواری حدود ۲۰ رساله به فارسی و عربی است.

در صفحه ۱۰۷ نوشته شده است که اصول المعارف (تصحیح و تعلیق سیدجلال‌الدین آشتیانی) به زبان فارسی است، در حالی که اصول المعارف تألیف ملامحسن فیض کاشانی به عربی است. درباره محل دفن طبرسی در صفحه ۱۷۰ چنین می‌نویسد: «مزارش در حدود ۲۵۰ متری شمال شرق حرم مطهر است. صاحبان ریخانه‌الادب، الذریعه، ریاض‌العلماء، تنقیح‌المقال، مستدرک‌الوسائل و روضات‌الجنات این مکان را تأیید کرده‌اند لیکن با این وجود مکان قبر او درخور بحث است. اخیراً از کشف قبر شیخ در اطراف قائم‌شهر سخن رفته است». به نظر می‌رسد نویسنده در اینجا بین طبرسی صاحب مجمع‌البیان و طبرسی صاحب احتجاج خلط نموده است. آنکه قبرش نزدیک قائم‌شهر است طبرسی صاحب احتجاج است. مرحوم شیخ آقای بزرگ تهرانی چنین می‌نویسد: «و قبره - احمدبن علی بن ابیطالب صاحب الاحتجاج - مزار معروف فی قریه تسمى قریه شیخ طبرسی و هی علی فرسخ من قریه علی‌آباد التی مصرت اخیراً و سمیت شاهی» (قائم‌شهر).

در صفحه ۱۷۱ در بحث از شاگردان شیخ طبرسی می‌نویسد: «و از شاگردان معروف او می‌توان به شیخ منتجب‌الدین راوندی معروف به قطب راوندی اشاره کرد». در اینجا نیز نویسنده دچار اشتباه شده است نام شیخ منتجب‌الدین، علی بن عبداللّه بن الحسن است و یکی از آثار معروف وی الفهرست است که در میان دانشمندان و اصحاب تراجم به فهرست شیخ منتجب‌الدین رازی شهرت دارد. اما سعیدبن هبه‌الله، ملقب به قطب راوندی، نزدیک به ۴۳ اثر دارد که یکی از آثار معروفش شرح نهج‌البلاغه است که ابن ابی‌الحدید در شرح خود بارها از آن نام برده و اشکالاتی بر

آن وارد ساخته است.<sup>۱۱</sup> در صفحه ۲۰۱ در شرح حال عبدالکریم تفرشی چنین می‌نویسد: «وی به حاج میرزا آقا شهرت داشته است. از حاج میرزا آقاری به جای مانده است که می‌توان به بحیره اشاره کرد. اصل کتاب بحیره از ملامیرمحمد استرآبادی است که به اهتمام حاج میرزا در تهران به چاپ رسیده است». چنانکه خود نویسنده اذعان دارد که کتاب بحیره از میرمحمد استرآبادی است. بنابراین نباید این کتاب را از آثار عبدالکریم تفرشی به حساب آورد. نکته دیگر اینکه مؤلف محترم در این قسمت هیچ اشاره‌ای به منبع خود نکرده است. بجا بود اگر به ریخانه‌الادب (ج ۴، ص ۳۳۸) ارجاع داده می‌شد که در آن مرحوم مدرس خیابانی تحقیقی خواندنی در این باره دارد.

در صفحه ۲۸۱ در شرح حال فضل‌الله آشتیانی چنین نگاشته شده است: «به حوزه درس میرزا محمدحسین آشتیانی درآمد... وفات وی را در تهران سال ۱۳۲۸ ق نوشته‌اند». در حالی که میرزا محمدحسن آشتیانی صحیح است و تاریخ فوت فضل‌الله آشتیانی نیز سال ۱۳۸۲ ق است.

صفحات ۳۰۱-۳۰۳ به شرح حال محمد حجازی اختصاص یافته است. در بخشی از این صفحات چنین نوشته شده است: «در سال ۱۲۸۰ در تهران به دنیا آمد. بعد از سال ۱۳۳۹ حجازی از رجال صاحب نفوذ و در مجلس سنا همه‌کاره بود. در سال ۱۳۲۵ درگذشت». به نظر می‌رسد که تاریخ فوت وی ۱۳۵۲ باشد.

در صفحه ۳۵۳ درباره ملا مراد تفرشی چنین نگاشته شده است: «او از علمای قرن یازدهم هجری است که در سال ۱۰۴۴ ق تعلیقه سجادیه را نوشته است و تعلیقه‌ای نیز بر جزء دوم کتاب من لا یحضره الفقیه دارد». نویسنده محترم، تعلیقه سجادیه و شرح من لا یحضره الفقیه را دو کتاب جداگانه پنداشته است، در حالی که این دو عنوان به یک اثر تعلق دارد. صاحب جامع‌الروایه در این باره می‌نویسد: «له - مرادالتفرشی - تصانیف جیده منها کتاب موسوم بالتعلیقه السجادیه علقها علی من لا یحضره الفقیه»<sup>۱۲</sup> و مرحوم شیخ آقا بزرگ چنین می‌نویسد: «التعلیقه السجادیه شرح و حاشیه علی من لا یحضره الفقیه لمراد التفرشی».<sup>۱۳</sup>

در صفحه ۳۵۶ میرزا مهدی آشتیانی این‌گونه معرفی شده است: «میرزا مهدی در سال ۱۳۰۶ قمری در تهران متولد شد. وی فرزند میرزا جعفر معروف به میرزا کوچک آشتیانی، برادرزاده و

می‌گردد. ویژگی دوم این که وی نخستین کسی است که در ایران آرا و اندیشه‌های اصولی استاد خود (شیخ انصاری) را مطرح و منتشر می‌سازد. "دانش طلبی و اشتیاق او برای یادگیری شایان توجه است. استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی درباره مرحوم میرزا حسن آشتیانی می‌نویسد: «مرحوم آقا میرزا حسن آشتیانی نزد آقا علی (آقا علی مدرس) شرح هدایه ملاصدرا و آقا علی نزد میرزا، رسائل شیخ انصاری را قرائت می‌نمود». " شایان ذکر است که مرحوم میرزا شرح هدایه را در سنین بالا و زمانی نزد آقا علی می‌خواند که یکی از بزرگ‌ترین عالمان ایران بود.

صفحات ۲۸۵-۲۸۶ کتاب، به معرفی فیض‌الله تفرشی اختصاص یافته ولی تاریخ فوت این دانشمند ذکر نشده است. مرحوم سیدمصطفی در حاشیه نقد الرجال خود می‌نویسد: «مات رحمه‌الله فی شهر رمضان سنه خمس و عشرين بعد الالف (۱۰۲۵ ق) و دفن فی المشهد المقدس الغروی (نجف)».

شش سطر از صفحه ۳۵۳ به معرفی ملامراد تفرشی اختصاص یافته ولی به تاریخ تولد و وفات وی اشاره‌ای نشده است. صاحب جامع الرواة در این باره چنین می‌نویسد: «و کان مولده فی سنه خمس و ستین و تسعمائة (ولادت ۹۶۵) و توفی رحمه‌الله تعالی فی شهر شوال سنه احدی و خمسين بعد الالف (فوت ۱۰۵۱) رضی‌الله عنه».

صفحه ۳۱ به بعد اختصاص به شرح حال این شخصیت دارد ولی به فرجام و شغل او اشاره نشده است. لازم به ذکر است که میرزا ابوالحسن فراهانی در عین حال که در شعر و شاعری دستی داشته از علما و فضلاء عصر خویش بوده و مدتی وزارت امام قلی خان حاکم فارس را به عهده داشته است و در نهایت به دستور امام قلی خان به قتل می‌رسد. "ابراهیم دهگان در تاریخ اراک درباره تاریخ به قتل رسیدن میرزا ابوالحسن فراهانی می‌نویسد: «جای بسی تعجب و عبرت که در ضمن وقایع سال ۱۰۳۹ شخص مواجه با قتل میرزا ابوالحسن فراهانی به فرمان امام قلی خان حاکم فارس گردیده و در ضمن وقایع سه سال بعد (۱۰۴۲) با فاجعه قتل عام خانواده امام قلی خان فاتح جزیره هرموز رو به رو می‌گردد».

در صفحه ۴۵ در شرح ابوطالب فراهانی هیچ اشاره‌ای به محل تولد و پدر وی نشده است. صاحب اعیان الشیعه می‌نویسد: «الشیخ ابوطالب الفراهانی ابن محمدحسین خان سلیمانلو، ولد فی قریه مصلح آباد من قری فراهان». " ذکر این نکته خالی از فایده

داماد مرحوم میرزا حسن آشتیانی مجتهد معروف از مبارزان قضیه تحریم تنباکو است. بعد از بازگشت به ایران در حوزه علمیه قم مشغول به تدریس شد و سرانجام در سال ۱۳۲۷ قمری در سن ۶۴ سالگی وفات یافت و جنازه استاد در قم نزدیک قبر آیت‌الله حائری رواق بالاسر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. عبارتی که در ابتدای معرفی میرزا مهدی آشتیانی به کار برده شده مبهم است زیرا برای خواننده‌ای که کتب دیگر را ندیده باشد این تصور را ایجاد می‌کند که میرزا مهدی آشتیانی داماد مرحوم میرزا حسن آشتیانی است؛ در حالی که میرزا مهدی آشتیانی نوه دختری میرزا حسن آشتیانی است. به علاوه بهتر بود شرح حالی که به قلم خود میرزا مهدی آشتیانی در دسترس است استفاده می‌شد. " این عبارت دوبهلو و مبهم از دائره‌المعارف تشیع برگرفته شده است.

نکته دیگر اینکه نوشته شد که میرزامهدی آشتیانی بعد از بازگشت به ایران در حوزه علمیه قم مشغول به تدریس شد و سرانجام در سال ۱۳۲۷ ق وفات یافت. از عبارت فوق این گونه فهمیده می‌شود که مرحوم میرزا مهدی آشتیانی بعد از بازگشت از نجف وارد حوزه علمیه قم شد و تا آخر عمر به تدریس در آن حوزه مشغول بوده است؛ در حالی که مرحوم میرزا مهدی آشتیانی برای مدتی در حوزه قم بساط تدریس را پهن می‌کند و در واقع بیشتر عمر خود را در تهران سپری کرده و در حوزه آن شهر به تدریس و افاده مشغول بوده است. مرحوم شریف رازی می‌نویسد: «چندی در حوزه علمیه قم به افاده و تدریس اشتغال یافته». " به علاوه، تاریخ فوت آن مرحوم سال ۱۳۷۲ ق (اردیبهشت ۱۳۳۲) است " و بالاخره اینکه ایشان در ۶۶ سالگی، و نه آن طور که نویسنده نگاشته است در ۶۴ سالگی، فوت کرده‌اند.

در صفحه ۴۳۴ شرح حال میرزا علی جان تفرشی، بدون ذکر مدرک و مأخذ آمده است.

نویسنده محترم در معرفی برخی از شخصیت‌ها، نکاتی را از قلم انداخته است که به بعضی از این موارد اشاره می‌کنیم.

در معرفی میرزا حسن آشتیانی بهتر بود که به نکاتی از این قبیل اشاره می‌شد: صاحب اعیان الشیعه دو ویژگی برای ایشان برمی‌شمارد. یکی استعداد وافر، چنان که وقتی در ۱۳ سالگی برای تحصیل به بروجرد می‌رود بعد از مدتی شروع به تدریس کتاب مطول می‌نماید و به افراد مسن‌تر از خود درس می‌گوید و در عین جوانی یکی از اشکال‌کنندگان (مستشکلین) درس شیخ انصاری

یکی دیگر از انتقادات وارد بر کتاب، مبهم‌نویسی آن است که برای نمونه به عبارت زیر توجه کنید: «میرزا سیداحمد از نویسندگان قرن سیزدهم هجری قمری است. از نسخ موجود در مجلس روئیای صادقانه به او منسوب است عجیب است که منزوی (ص ۵۰) می‌نویسد: سیداحمد این اثر را در محرم ۱۲۲۳ هجری قمری نگاشته، زیرا تاریخ مستند منزوی از حیث تاریخی با ظل‌السلطان و آقاجقی چندان همخوانی ندارد». این عبارت برای خواننده مبهم است زیرا موضوع کتاب روئیای صادقانه و سال‌های قدرتمندی ظل‌السلطان و نفوذ آقاجقی در اصفهان معلوم نیست تا نقد وارد شده قابل فهم باشد.

مؤلف محترم، به خصوص در شرح احوال علما، به منابعی همچون مکارم‌الاثار، ریاض‌العلماء، جامع‌الرواة، نقد الرجال، اعیان‌الشیعة، نقیه البشر، علماء معاصرین و گنجینه دانشمندان مراجعه نکرده است و به همین سبب گاه در معرفی دقیق علما و دانشمندان به خطا رفته است. در این‌گونه آثار پژوهشی، تا وقتی منابع دست اول در دسترس است، مراجعه به منابع دیگر وجهی ندارد. برای مثال در شرح حال ملامراد تفرشی با وجود منبعی چون جامع‌الرواة ارجاع به مجله یادگار منطقی نیست در بسیاری از موارد مؤلف محترم به دائرةالمعارف تشیع ارجاع می‌دهد که با توجه به نقدهایی<sup>۲۲</sup> که به این دائرةالمعارف وارد شده باید در استفاده از آن جانب احتیاط را رعایت کرد.

اشتباهات حروف‌نگاری نیز در این اثر مشاهده می‌شود از جمله: در صفحه ۱۱ در فهرست مندرجات از رفیقی تفرشی نام برده شده در حالی که شرح حال ایشان در متن کتاب از قلم افتاده است.

در صفحه ۲۵ چنین نوشته شده است: «در معجم‌البلدان از فراهان و در جایی فهران که همان فراهان است یاد می‌کند و می‌گوید فراهان من رساتیق همدان ذکر طاله فیما بعد...» که «ذکر حاله» صحیح است.

همچنین به نمونه‌هایی از این‌گونه اشتباهات توجه کنید: فراهان زادگان (ص ۸۹)، صحیح: زادگاه؛ ملاحسین شیرویه‌ای (ص ۹۱)، صحیح: ملاحسین بشرویه‌ای؛ مجلسی در ریاض‌العلماء افندی (ص ۱۶۹)، صحیح: افندی در ریاض‌العلماء به نقل از مجلسی؛ ترجمه: البیان شیخ طوسی (ص ۱۷۲)، صحیح: التبیان؛ تحفه شامیه (ص ۲۱۵)، صحیح: التحفه الشاهیه یا تحفه‌الشاهیه؛ برادرزن (ص ۳۷۳)، صحیح: برادرزاده.

نیست که پدر ابوطالب فراهانی، یعنی محمدحسن خان سلیمانلو، بنیانگذار روستای مصلح‌آباد است.<sup>۲۳</sup> نویسنده در صفحه ۵۱ کتاب، احمد تفرشی طاوی را خطاط معرفی کرده در حالی که ایشان از علما بوده است. صاحب اعیان‌الشیعه می‌نویسد: «الشیخ احمد التفرشی، عالم فاضل له نخبه المقال فی علم الرجال منظومه مطبوعه فرغ من نظمها سنه ۱۳۱۳ و له رساله فی الکنی واللقاب والنسب مطبوعه فرغ منها سنه ۱۳۱۳».<sup>۲۴</sup>

در صفحه ۱۳۹ از طبرسی تا حسابی، چند سطری به میرزا اسماعیل تفرشی اختصاص یافته ولی به تلمذ ایشان نزد عارف نامی میرزا محمد رضا قمشه‌ای اشاره‌ای نشده است.<sup>۲۵</sup> در صفحه ۲۶۲ به معرفی فتح‌الله فراهانی پرداخته شده است. در مکارم‌الاثار اطلاعات بیشتری درباره وی وجود دارد. صاحب مکارم‌الاثار می‌نویسد: «سید فتح‌الله حسینی از اقوام نزدیک مرحوم قائم‌مقام در مشهد الکوبه متولد شده و پس از مدت ۷۱ سال در سنه ۱۳۴۹ وفات کرد».<sup>۲۶</sup> در کتاب، برخی از شخصیت‌ها از قلم افتاده‌اند که در اینجا به آنان اشاره می‌شود:

علی نقی کمره‌ای؛<sup>۲۷</sup> میرزا جعفر آشتیانی؛<sup>۲۸</sup> میرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی؛<sup>۲۹</sup> میرزا باقر آشتیانی؛<sup>۳۰</sup> حاج میرزا موسی خان قائم‌مقام؛<sup>۳۱</sup> میرزا علی میکده آشتیانی؛<sup>۳۲</sup> میرزا محمدحسین دانش آشتیانی؛<sup>۳۳</sup> کربلانی کاظم ساروقی؛<sup>۳۴</sup> علی تفرشی؛<sup>۳۵</sup> محمدرضی تفرشی؛<sup>۳۶</sup> محمدبن محمدبن علی‌الفراهانی؛<sup>۳۷</sup> داود تفرشی؛<sup>۳۸</sup> صحبتی تفرشی؛<sup>۳۹</sup> محمد طغانی بهاء‌الدین ابن علی نقی؛<sup>۴۰</sup> محمدبن علی فراهانی بن ملاحسن؛<sup>۴۱</sup> فرج... خادم فراهانی؛ سید حسین تفرشی؛<sup>۴۲</sup> میرحضور فراهانی؛<sup>۴۳</sup> حسن بن فضل بن حسن طبرسی؛<sup>۴۴</sup> علی بن حسن بن فضل؛<sup>۴۵</sup> احمدبن ابی طالب طبرسی؛<sup>۴۶</sup> احمدبن علی ابن عبدالجبار طبرسی؛<sup>۴۷</sup> ضیاء‌الدین طبرسی؛<sup>۴۸</sup> شیخ محمدمراد آشتیانی<sup>۴۹</sup> (محمد مرادبن درویش علی بیگ آشتیانی)؛ شیخ محمدباقر آشتیانی قزوینی<sup>۵۰</sup> (محمدباقربن الشیخ محمدجعفر آشتیانی)؛ میرزا محمد حسین تفرشی<sup>۵۱</sup> محمدتقی فراهانی؛<sup>۵۲</sup> ایمانی خان فراهانی؛<sup>۵۳</sup> خواجه ابوالقاسم فراهانی؛<sup>۵۴</sup> میرزا محمدصادق قائم‌مقامی؛<sup>۵۵</sup> شیخ ماشاء... اوحدی؛ میرزا ابوالقاسم خان صهبا فرزند شفیخ‌خان؛<sup>۵۶</sup> آیت‌الله العظمی اراکی؛<sup>۵۷</sup> آیه... مصلحی؛<sup>۵۸</sup> حجت‌الاسلام شیخ محمدرضا آشتیانی؛<sup>۵۹</sup> شیخ شهاب‌الدین محمدبن موسی بزچلوئی؛<sup>۶۰</sup> ابوالقاسم بن عبدالحمید تفرشی؛<sup>۶۱</sup> سیدحسن فرید هزاوه‌ئی؛<sup>۶۲</sup> آیت‌الله حاج شیخ علی فائض.<sup>۶۳</sup>

پی نوشت ها:

۱. شرح حال رجال ایران، ج ۶، ص ۲۲۷.
۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۴۵.
۳. ظاهراً صاحب معجم البلدان درصدد توضیح دریاچه کویر میقان است.
۴. الذریعه ج ۲۵، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۰۲۸-۲۰۲۹.
۵. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۱۹؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۷.
۶. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۱۳.
۷. الذریعه، ج ۲۰، ص ۱۳۱.
۸. مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۱۳۲.
۹. طبقات اعلام الشیعه - الثقات العیون فی سادس القرون / ۱۲.
۱۰. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۴۶۹.
۱۱. جامع الرواة، ج ۲، ص ۲۲۳.
۱۲. الذریعه، ج ۴، ص ۲۲۳-۲۲۴.
۱۳. علماء معاصرین.
۱۴. گنجینه دانشمندان، ج ۴، ص ۳۶۹.
۱۵. همان، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۱۹.
۱۶. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۸-۳۹.
۱۷. رسائل، حکیم سبزواری، ص ۵۵.
۱۸. نقدالرجال، ج ۴، ص ۳۳.
۱۹. جامع الرواة، ج ۲، ص ۲۲۳.
۲۰. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۰.
۲۱. تاریخ اراک، قسمت دوم، ص ۳۴.
۲۲. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸.
۲۳. شرح احوال حضرت آیت الله اراکی، ص ۲۰.
۲۴. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۳.
۲۵. در این باره ر. ک: تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۲۹۶.
۲۶. مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۲۲۷.
۲۷. ر. ک: ریاض العلماء الجزء الرابع، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ میراث اسلامی ایران، دفتر ۶، ص ۳۹۸.
۲۸. علماء معاصرین، ص ۲۵۷؛ تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۲۹۶.
۲۹. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۳.
۳۰. همان، ج ۴، ص ۳۳۶؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸.
۳۱. مکارم الآثار، ج ۳، ص ۷۰۶.
۳۲. همان، ج ۵، ص ۱۴۵۹-۱۴۶۰.
۳۳. گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۵۰.
۳۴. همان، ج ۶، ص ۸۶ به بعد؛ داستانهای شگفت، ص ۵۰.
۳۵. طبقات اعلام الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۱.
۳۶. طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۸.
۳۷. همان، ج ۳، ص ۱۷۲.
۳۸. همان، ج ۵، ص ۲۰۸.
۳۹. همانجا.
۴۰. طبقات اعلام الشیعه، ج ۵، ص ۵۲۸.
۴۱. طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۵۴۰.
۴۲. موسوعة النجف الاشرف، ج ۱۱، ص ۹۶؛ ص ۵۸۲.
۴۳. آشکده، ص ۲۳۶.
۴۴. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۰۰.
۴۵. طبقات اعلام الشیعه، ج ۳، ص ۱۰۴.
۴۶. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۰۰.
۴۷. طبقات اعلام الشیعه، قم سادس القرون، ص ۱۳.
۴۸. همان، ج ۶، ص ۳۸۸.
۴۹. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۵۱.
۵۰. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸.
۵۱. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۵۴.
۵۲. همان، ج ۹، ص ۲۱۳.
۵۳. گزارشنامه، ص ۱۸۰.
۵۴. همان، ص ۱۸۱.
۵۵. مکارم الآثار، ج ۸، ص ۳۰۲۲، تعلیقات سیدمحمدعلی روضانی.
۵۶. شرح احوال آیه الله العظمی اراکی، ص ۹۱.
۵۷. همان، ص ۹۲.
۵۸. شرح احوال آیه الله العظمی اراکی، ص ۱۹۵-۱۹۹.
۵۹. سیمای آشتیان، ص ۸۰-۸۳.
۶۰. تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۱۸۹.
۶۱. همان، ص ۲۹۱.
۶۲. همان، ص ۲۵۳.
۶۳. بیانات شفاهی فرزند ایشان و آقای آقا کاظم میریحیی سلمه الله تعالی.
۶۴. برای نمونه ر. ک به: آئینه پژوهش، شماره ۱۵.